

سوالات مبهم؟! ..

رحمان فلاحی مقدم

دبیر ادبیات عرب شهرستان‌های کهگیلویه و بویراحمد

اشاره

مقاله پیش‌رو، نقدی بر دو سؤال درس عربی عمومی کنکور سال ۱۳۸۹ است که توسط یکی از دبیران باتجربه و نکته‌سنج به دفتر مجله ارسال شده است. نقد نامبرده بعد از تأیید گروه عربی دفتر تألیف کتب درسی منتشر می‌گردد.*

چکیده

نویسنده این مقاله بر آن است که با تطبیق دو سؤال کنکور و تناقضی که در آن‌ها وجود دارد، یک نکته قواعدی (مفعول مطلق نیایی) از عربی سال سوم را مورد بررسی قرار دهد و با ارائه شواهد از کتب معتبر نحوی، پیچیدگی و ابهام این نکته را یادآوری نماید و ضمن اشاره به دوگانگی و عدم تطابق بعضی از سؤالات کنکور با سرفصل‌های کتب درسی، با پیشنهادی در خور، این تناقضات را به طراحان سؤالات کنکور و مؤلفین کتب درسی متذکر شود.

◆ **کلیدواژه‌ها:** نقد کتب عربی، تناقض سؤالات کنکور، دوگانگی کنکور و کتب درسی، مفعول مطلق نیایی.

مقدمه

با توجه به این که در مقدمه همه کتب درسی عربی توصیه اکید شده است که دبیران فقط به موارد و قواعدی بسنده کنند که در کتاب آمده است و از پرداختن به موارد حاشیه‌ای و خارج از محدوده کتاب بپرهیزند و از طرفی سازمان سنجش، دانش‌آموزان را از رفتن به کلاس‌های کنکور یا استفاده از کتب کمک‌درسی مؤسسات آموزشی منع می‌کند و کتاب‌های درسی را مکفی و جامع می‌داند؛ ولی با نگاهی به سؤالات کنکور متوجه تناقض هستیم که این توصیه‌ها را زیر سؤال می‌برد، گویی کسانی که طراحان سؤالات کنکور هستند خودشان به این موارد توجه نمی‌کنند یا قصدشان این است که دبیر و دانش‌آموز را وادار کنند تا علاوه بر قواعد کتاب سراغ جزئیات و حواشی غیرضروری هم بروند که این امر کاملاً منافی آیین‌نامه دفتر

گردآوری اطلاعات: در پایان سال تحصیلی و مقایسه میانگین و درصد قبولی ترم اول با ترم دوم، به افزایش نسبی نمرات ترم دوم دانش‌آموزان کلاس‌هایی که با آن‌ها تدریس داشتیم پی بردم که درصد قبولی به صددرصد رسیده بود. میانگین و درصد نمرات به شرح ذیل است: معدل دوم ریاضی ۱۶/۱۴ (درصد قبولی ۱۰۰٪)؛ معدل دوم تجربی ۱۵/۱۳ (درصد قبولی ۱۰۰٪)؛ معدل دوم انسانی ۱۳/۲۹ (درصد قبولی ۱۰۰٪)

ارزش‌یابی و نتیجه‌گیری

در ابتدای سال تحصیلی که هنوز روش استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی برای بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را به کار نبرده بودم، دانش‌آموزان انگیزه مناسب نداشتند و تلاشی برای یادگیری درس عربی از خود نشان نمی‌دادند ولی به تدریج که با نمونه‌هایی از کارهای ارائه‌شده از نرم‌افزارهای آموزشی آشنا شدند، با پذیرش انجام موارد مشابهی برای ارائه مطالب درس عربی، شور و نشاطی در کلاس به وجود آمد و هر یک از دانش‌آموزان با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند به ساختن و ارائه مطالب درسی از طریق نرم‌افزارهای آموزشی مانند پاورپوینت و... پرداختند. به این ترتیب هم خودشان با مطالب درسی بیشتر درگیر و مأنوس شدند و هم با کارهای ارائه شده هم‌کلاسی‌هایشان آشنا شدند و تعامل و مشارکت بیشتر و بهتری با مطالب درس عربی پیدا کردند. همچنین با نرم‌افزارهایی که تکنولوژی صدا و تصویرهای انیمیشنی را در کتاب‌های درسی به تحرک درمی‌آورد و روح تازه‌ای را به کلاس‌های درس می‌بخشد آشنا شدند. نرم‌افزارهای کامپیوتری وقتی جالب و بدیع طراحی شوند می‌توانند به صورت آموزشی کارآمد و برانگیزنده باشند.

در نتیجه دانش‌آموزانی که برای خواندن و یادگیری درس عربی هیچ انگیزه و تلاشی نداشتند و نمراتشان در حد مطلوبی نبود برای فهم مطالب آن و برای ارائه بهتر آن در کلاس به تعامل و همکاری پرداختند و به تبع آن در ارزش‌یابی‌ها هم بهتر و بیش‌تر درخشیدند.

پی‌نوشت

۱. وبگاه آموزش و پرورش استان خراسان، سنجش گرایش دانش‌آموزان به درس عربی.
۲. خبرنامه گروه آموزشی عربی متوسطه استان گلستان.

نقدی بر دو سؤال درس عربی عمومی کنکور سال ۱۳۸۹ رشته‌های ریاضی و فنی و زبان‌های خارجی

وقوع الفعل:

(مرکز انتشارات سازمان سنجش، ۱۳۸۹: ۲۵۹)

۱. ترید النجاح فی حیاتک بینما لاترید ان تدفع له ثمناً!

۲. سبحان الله لا شریک له فرداً صمداً!

۳. ألم أنصحکم باستخدام العقل، انه هبة من الله، حقاً!

۴. فصبراً فی مجال الموت فانه یرانا عن قرباً!

در کدام گزینه مفعول مطلق تأکیدی نیامده است؟

گزینه صحیح: ۱

دلیل درست بودن گزینه یک: با در نظر گرفتن معنای جمله (موفقیت را در زندگی خود می‌خواهی در حالی که نمی‌خواهی قیمت آن را بپردازی) هیچ کلمه یا ساختاری در آن نمی‌یابیم که برای تأکید فعل آمده باشد؛ اما در سه گزینه دیگر مفعول مطلق وجود دارد که تأکید را برای فعل می‌رساند: سبحان الله، حقاً، صبراً.

نتیجه‌ای که از این سؤال به دست می‌آید: مصدر می‌تواند بدون حضور عامل (فعل) هم تأکید را برساند.

در کتاب‌های درسی عربی رشته‌های تجربی و ریاضی و انسانی بیان شده که گاهی عامل مفعول مطلق (فعل) در جمله نمی‌آید و مصدر منصوب به تنهایی (بدون فعل) در جمله ذکر می‌شود؛ اما تصریح نشده که این نوع مفعول مطلق را جز کدام دسته از انواع مفعول مطلق محسوب کنیم، (تأکیدی یا نوعی) یا این که جز هیچ کدام نیست و همان مفعول مطلق خالی از قید (نوعی یا تأکیدی) باشد. دبیران هم نظرات مختلفی دارند؛ گروهی این دسته از مصادر را اگر بدون صفت یا مضاف‌الیه باشند، تأکیدی و همراه با صفت یا مضاف‌الیه را نوعی به حساب می‌آورند؛ مثلاً:

شکراً! مفعول مطلق تأکیدی / - شکراً جزیلاً: مفعول مطلق نوعی / و بعضی هم هر دو را مفعول مطلق نیایی (بدون قید) می‌گویند.

اگر به دو سؤال کنکور ۸۹ توجه نماییم این نقیضه را هم به وضوح می‌بینیم که در سؤال گروه ریاضی، مصدر به شرطی برای تأکید است که حتماً فعل آن در جمله باشد! ولی در سؤال گروه زبان‌های خارجی عکس آن عمل شده و مصدر بدون عامل (فعل) را مفعول مطلق تأکیدی به حساب آورده است! که دو سؤال فوق همدیگر را نقض می‌کنند مگر

برنامه‌ریزی کتب درسی است. از آنجایی که دانش‌آموزان در زبان‌های خارجی به صورت پایه‌ای مشکل دارند و در رشته‌های غیرعلوم انسانی، عربی یک درس عمومی است، طرح سؤالاتی خارج از محدوده کتاب‌های درسی باعث می‌شود که این نقاط ضعف بیشتر شود و ابهام و سردرگمی مضاعفی در پی داشته باشد. حال تکلیف دبیران عربی چیست؟ آیا با این وقت کمی که دارند، می‌توانند وارد جزئیات شوند یا نه، و از طرفی تکلیف دانش‌آموزان چیست؟ با نگاهی به سؤالات کنکور عربی متوجه می‌شویم که بعضی از نکات سؤالات کنکور در کتاب درسی ذکر نشده یا به صورت مبهم و گنگ آمده است و چون دبیران نیز شیوه آموزش واحدی ندارند لذا همه ضرر و زیان متوجه دانش‌آموزان می‌شود که لازم است این دوگانگی و تناقض مورد توجه مسئولین مربوطه قرار گیرد. در این مقاله به یکی از این تناقضات می‌پردازیم:

سؤال ۲۳ - (ریاضی و فنی ۹۰-۸۹): عین ما فیه تأکید علی وقوع الفعل:

(مرکز انتشارات سازمان سنجش، ۱۳۸۹: ۲۲۹)

۱. ایتمسّت امی فی وجهی ایتساماً ففرحت من ذلک!

۲. انعقد مجلس آخر لتکریم المجتهدات ایضاً!

۳. یرتّم الطالب بمطالعة دروسه لیلاً و نهاراً!

۴. مارا یت فی الساحة الاجتماعیة نشیطتین!

در کدام گزینه مفعول مطلق تأکیدی آمده است؟

گزینه صحیح: ۱

دلیل درست بودن گزینه یک: تأکید کردن فعل به وسیله مفعول مطلق تأکیدی حاصل می‌شود که فقط در این گزینه وجود دارد.

دلیل رد کردن گزینه دو: ایضاً مفعول مطلق؛ ولی نه برای تأکید (چون فعلی از آن در جمله ذکر نشده است)

گزینه سه و چهار هم که هیچ‌گونه تأکیدی از نوع مفعول مطلق ندارند (همان، ص ۲۳۲).

نتیجه‌ای که از این سؤال گرفته می‌شود: اگر عامل (فعل) محذوف باشد، معمول (مصدر) نمی‌تواند تأکید را برساند.

سؤال ۲۳. (زبان‌های خارجی): عین ما لیس فیه تأکید علی

سازمان سنجش،
دانش‌آموزان را از
رفتن به کلاس‌های
کنکور یا استفاده از
کتب کمک‌درسی
مؤسسات آموزشی
منع می‌کند و
کتاب‌های درسی
را مکفی و جامع
می‌داند؛ ولی با
نگاهی به سؤالات
کنکور متوجه
تناقض هستیم



این که **ایضاً** استثنا باشد که در هیچ کتاب نحوی به آن اشاره نشده است. برای توضیح موارد فوق استناد می‌نماییم به: شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک:

و حذف عامل المؤکد امتنع و فی سواه لدلیل متسع
حذف عامل مفعول مطلق تأکیدی جایز نیست اما حذف
عامل مصدر نوعی و عددی جایز است، هرگاه قرینه‌ای بر
محذوف (حالیه، مقالیه) دلالت کند.

جناب شارح می‌فرمایند:

المصدر المؤکد لا يجوز حذف عامله لانه مسوق لتقرير عامله
و تقویته و الحذف منافٍ لذلك: حذف عامل مصدر تأکیدی جایز
نیست زیرا غرض اصلی از بیان مصدر تأکیدی، تثبیت و تقویت
نمودن معنای عامل است و بدون شک حذف عامل با این انگیزه
سازش نداشته است. اما حذف عامل مصدر نوعی و عددی (جوازاً
و جوباً) جایز است هرگاه قرینه‌ای بر محذوف دلالت کند.

بدرالدین معروف به ابن ناظم و پسر ابن مالک **ضرباً** را در مثال
ضرباً زیداً مفعول مطلق تأکیدی می‌داند، اما ابن عقیل نظر او
را رد می‌کند و طبق نظر ابن مالک، می‌گوید که در مثال فوق
اساساً تأکیدی شکل نگرفته بلکه مصدر مزبور در مکان فعل امر
اضرب قرار گرفته و همان‌گونه که **اضرب زیداً** بیانگر تأکید
نیست به همین ترتیب **ضرباً** هم نمی‌تواند برای تأکید باشد زیرا
مصدر در این گونه موارد در واقع قائم مقام و جانشین عامل شده
و عوض از عامل محذوف است.

و اما غیرالمؤکد فی حذف عامله للدلالة علیه: جوازاً و جوباً.
اما حذف عامل مصدر نوعی و عددی جایز است هرگاه
قرینه‌ای بر محذوف دلالت نماید:

سیر زید: به مانند حرکت نمودن و رفتن زید حرکت کردم
در پاسخ کسی که از شما پرسیده: ای سیر سرت؟ چگونه و
به کدامین نوع، حرکت کردی؟ بنابراین در مثال مزبور (سیر
زید) عامل مصدر نوعی (سرت) حذف شده و قرینه بر محذوف،
پرسش خود سؤال کننده (سرت) است.

البته مبحث مطرح شده در الفیه شاید نتواند تصریحاً به
موضوع مورد بحث ما کمک کند ولی می‌توان نتیجه گرفت که
عامل در نوعی و عددی می‌تواند محذوف باشد و بدون عامل
هم می‌توان آن مصادر را نوعی یا عددی محسوب کرد؛ ولی اگر
مفعول مطلق تأکیدی فعلش حذف شد دیگر نمی‌تواند تأکیدی
باشد.

با توجه به این که چند سالی است مؤسسات آموزشی و
کتاب‌های کنکوری، دانش‌آموزان فراوانی را به سمت خود جذب
کرده‌اند و گاهی بعضی از این کتاب‌ها حتی به چاپ دهم یا
بیشتر هم می‌رسند، بعضی از این کتاب‌ها تناقض‌گویی‌هایی

دارند؛ مثلاً کتاب گویای عربی از انتشارات تخته سیاه، این
مصادر منصوب بدون فعل را مفعول مطلق تأکیدی به‌شمار
آورده است. (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۷۳).

کتاب دیگری که به این موضوع اشاره کرده، فوت و فن عربی
است که این مصادر بدون فعل را به صورت تأکیدی بیان کرده
است. انتم مجتهدون حقاً (برغمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

بعضی دیگر از کتاب‌های کمک‌آموزشی هم به صورت گذرا
این مصادر بدون فعل را مفعول مطلق نیایی به حساب آورده‌اند
که این چندگانگی و نظرات متفاوت چیزی جز سردرگمی
دانش‌آموزان را در پی ندارد.

و اما تکلیف ما دبیران و دانش‌آموزان چیست؟ آیا لازم است
اختلاف‌نظر نحوین (کوفیون و بصریون و...) که برای همیشه
حل نشده باقی مانده وارد دوره دبیرستان شود و همچنان باعث
سردرگمی و دلزدگی دانش‌آموزان از درس عربی شود؟ آیا
طراحان سؤالات کنکور به این نکته توجه کرده‌اند که سؤالات
باید در حد محتوا و محدوده کتب درسی باشد؟

به عنوان یک دبیر عربی و عضوی از این مجموعه آموزشی
پیشنهاد می‌دهم:

۱. در مبحث مفعول مطلق این نقیصه برطرف گردد و یک
سطر به قواعد کتاب اضافه شود که مثلاً اگر عامل حذف شود
مصدر، مفعول مطلق است اما نه برای تأکید (طبق سؤال گروه
ریاضی).

۲. اگر هم می‌تواند برای تأکید یا نوع باشد ذکر شود (طبق
سؤال گروه زبان‌های خارجی).

۳. طراحان سؤالات کنکور عنایت فرمایند سؤالات را در
حد محتوای کتب درسی و بدون ابهام و ابهام طراحی نمایند.

پی‌نوشت

* گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، نقد نویسنده محترم را کاملاً
مستدل و منطقی می‌داند. ضمن اعلام مراتب تقدیر گروه از ایشان، پیشنهاد
می‌شود همکاران عزیز، نقدها، پیشنهادها و سؤالات خود را در این خصوص از
طریق مجله رشد معارف و یا وبگاه مجلات رشد دفتر کمک‌آموزشی و وبگاه
دفتر تألیف، با کارشناسان گروه درسی عربی در میان بگذارند.

منابع

۱. برغمدی، محمد، فوت و فن عربی، اول، تهران، کتاب خیلی سبز، ۱۳۸۷
۲. سازمان سنجش، مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های تشریحی درس عربی در
آزمون‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹، چاپ اول، مرکز انتشارات سازمان سنجش/ ۱۳۸۹
۳. شرفی، محمد، کتاب گویای عربی، پنجم، تهران، تخته سیاه، ۱۳۸۸
۴. محی‌الدین عبدالحمید، محمد، شرح ابن عقیل، علی حسینی، چاپ اول،
قم، ناصر خسرو، ۱۳۸۵